

## تأثیر ترور شهید قاسم سلیمانی بر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

علی باقری دولت‌آبادی<sup>\*۱</sup>

محمد مجاهدزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** یکی از اهداف آمریکا برای ترور شهید سلیمانی پایان دادن به نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران بود. اکنون و پس از گذشت سه سال از ترور ایشان، این سؤال مطرح است که شهادت حاج قاسم سلیمانی چه تأثیری در میزان نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران برجای گذاشته است؟ فرضیه پژوهش این است که با ترور شهید سلیمانی تغییری در قدرت منطقه‌ای ایران ایجاد نشده است.

**روش‌شناسی پژوهش:** پژوهش حاضر بر اساس روش مقایسه‌ای - تحلیلی و نظریه ساختار - کارگزار انجام شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان دادند که برخلاف انتظار مقامات آمریکایی ترور شهید سلیمانی به نفوذ منطقه‌ای ایران پایان نبخشیده است. ایران همچنان در سوریه، یمن و عراق حضور فعال دارد. در سوریه فشاراسد روند تنش‌زدایی با دولت‌های عرب منطقه را آغاز نموده و با مشارکت ایران روند بازسازی شهرها را پیگیری می‌کند. در یمن هر دو طرف منازعه - انصارالله و عربستان - بر سر آتش‌بس موقت توافق کرده‌اند و زمینه برای گفتگوهای سیاسی در حال آماده شدن است. در عراق نیز با کنار رفتن دولت ضدایرانی مصطفی الکاظمی و تشکیل دولت شیاع السودانی فضا برای کنشگری ایران بیشتر شده است.

**نتیجه‌گیری:** قدرت منطقه‌ای ایران برخاسته از شبکه قدرت و ارتباطات گسترده و پیچیده آن در خاورمیانه است. این شبکه به هیچ وجه متکی به فرد یا مقام خاصی در ایران و منطقه نیست و ساختارهای این شبکه به نحوی طراحی شده‌اند که با تغییر و برکناری مدیران نیز قادر به تداوم فعالیت و اثربخشی است.

**کلید واژه‌ها:** شهید سلیمانی، قدرت منطقه‌ای ایران، سردار قآنی، سپاه قدس.

**Email:** abagheri@yu.ac.ir

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج،

یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

**Email:** mohammad.mojahedzadeh@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج،

یاسوج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

## مقدمه

در تاریخ سیزدهم دی ۱۳۹۸ (۳ ژانویه ۲۰۲۰)، طی یک عملیات هدفمند، سپهبد قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران، به همراه ابومهدی المهندس، معاون فرمانده الحشد الشعبی عراق و همراهانشان در نزدیکی فرودگاه بغداد، در حمله موشکی پهباد آمریکایی، به شهادت رسیدند. در پی این ترور، وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که ارتش این کشور، به دستور رئیس‌جمهور دونالد ترامپ «با کشتن قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، اقدام دفاعی قاطعی برای حراست از پرسنل آمریکا در خارج از کشور انجام داده است» (وزارت دفاع آمریکا، ۳ ژانویه ۲۰۲۰). دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز مدعی شد «ژنرال قاسم سلیمانی هزاران آمریکایی را در برهه‌ای از زمان کشته یا به شدت مجروح کرده بود و در حال برنامه‌ریزی برای کشتن تعداد بیشتری بود و آمریکا باید مدت‌ها قبل او را از میان برمی‌داشت، بنابراین ما اقدامی برای جلوگیری از بروز جنگ انجام دادیم» (کاخ سفید، ۳ ژانویه ۲۰۲۰). شهید قاسم سلیمانی برای نزدیک به دو دهه نقش بسیار مهمی در افزایش قدرت منطقه‌ای ایران داشت. او به شکلی نانوخته و غیررسمی فرمانده محور مقاومت در منطقه به شمار می‌رفت. شبکه‌ای دامنه‌دار از نیروهای مقاومت از لبنان و فلسطین گرفته تا عراق، سوریه و یمن همگی از اندیشه‌ها و طرح‌های وی استقبال می‌کردند (باقری‌دولت‌آبادی، ۲۰۲۰: ۱-۲۷). پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی درباره نقش آفرینی قدرت منطقه‌ای ایران دو دیدگاه کلی شکل گرفت؛ گروه اول معتقدند که پس از ترور سپهبد سلیمانی، قدرت منطقه‌ای ایران کاهش خواهد یافت و از نقش منطقه‌ای ایران به خصوص در عراق، لبنان، سوریه، یمن کاسته خواهد شد و قدرت منطقه‌ای ایران همانند سابق از توان و پویایی لازم برخوردار نخواهد بود (عزیزی، ۲۰۲۱). این گروه معتقدند که «قاسم سلیمانی یک کیفیتی داشت که می‌توانست گروه‌ها نه تنها گروه‌های شیعی بلکه گروه‌های غیرشیعی را برای پیشبرد استراتژی سیاست ایران در منطقه متحد کند» (صدرزاده، ۲۰۲۱). در مقابل، گروه دوم معتقدند که پس از ترور شهید سلیمانی قدرت منطقه‌ای ایران دچار زوال نخواهد شد و همانند سابق به ایفای نقش در سطح منطقه خواهد پرداخت. این گروه معتقدند که ساختار حاکم بر نیروی قدس سپاه به گونه‌ای است که راه و روش‌ها، استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها را مشخص کرده و هر فردی که در رأس قرار بگیرد بر اساس این اصول و اهداف حرکت خواهد کرد. برای مثال احمد کریم‌پور، مشاور ویژه شهید قاسم سلیمانی، می‌گوید: «قآنی از حاج قاسم در دشمن شناسی جلوتر است. به نظر من حاج اسماعیل قآنی قبل از آقای سلیمانی به دشمن بیرونی زده است» (کریم‌پور، ۲۰۲۱). مقالات منتشر شده در این راستا می‌کوشند نشان دهند شهید سلیمانی در زمان خود یک مکتب ساخته و شاگردان زیادی پرورش داده است که راه او را ادامه خواهند داد. مقالات «انقلاب اسلامی و مکتب‌سازی: نمونه موردی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی» اثر علی باقری‌دولت‌آبادی (۲۰۲۲)، «نقش راهبردی حاج قاسم سلیمانی در شکل‌گیری

محور مقاومت و مدیریت توحیدی آن» نوشته علی عرفانی فر (۲۰۱۹)، «شناسایی و تبیین ارکان جهت‌ساز مکتب شهید سلیمانی» نوشته محسن رضایی و روح‌الله تولایی و مقاله «تبیین مبانی و اصول مدیریت سرمایه‌های انسانی شهید سلیمانی» اثر غفور کارگری و همکاران (۲۰۲۰) در این دسته قرار می‌گیرند. اکنون و پس از گذشت سه سال از ترور فرمانده سپاه قدس، این سؤال مطرح است که شهادت حاج قاسم سلیمانی چه تأثیری در میزان نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران برجای گذاشته است؟ فر ضیه پژوهش این است که با ترور شهید سلیمانی تغییری در قدرت منطقه‌ای ایران ایجاد نشده است. روش مورد استفاده در مقاله مقایسه‌ای- تحلیلی و نظریه انتخاب شده برای تحلیل نظریه ساختار-کارگزار است.

### چارچوب نظری: نظریه ساختار-کارگزار

رابطه‌ی ساختار- کارگزار، همواره هسته‌ی اصلی نظریه‌های سیاسی- اجتماعی را شکل داده است؛ زیرا پیوسته این سؤال مطرح بوده که آیا نقش کارگزار یا کنش‌گر صاحب اراده در جامعه بیشتر است یا نقش ساختارهای حاکم؟ معمولاً طرفداران انقلاب و نظریه‌رهایی و کسانی که قائل به نقش تعیین‌کننده‌ی اراده انسان در بروز تحولات سیاسی اجتماعی‌اند (همانند اگزیستانسیالیست‌ها) در گروه اول، و جبرگرایان، محافظه‌کاران و آن‌ها که برای اراده و اختیار انسان نقش چندانی قائل نیستند در گروه دوم قرار می‌گیرند. گروه اول به نقش افراد در جامعه و تاریخ اهمیت داده و موضوع مورد مطالعه‌ی خود را معمولاً افراد فرهمند قرار می‌دهند، در حالی که گروه دوم به ساختارها و قوانین حاکم بر جامعه و امثال آن استناد می‌کنند (گرامیان و پورقوشچی، ۲۰۱۵: ۱۳۴-۱۳۳). به‌طور کلی در خصوص مسئله ساختار-کارگزار، سه نظریه وجود دارد: نظریه اول به تعیین‌کنندگی کارگزار نسبت به ساختار توجه دارد. کارگزار، در واقع، بازیگری است که خود را محکوم به پذیرش چارچوب‌های ساختار نمی‌بیند و به منظور ایجاد تغییر تلاش می‌کند. هر ساختاری، کارگزاران خاص خود را دارد. برای مثال، در برابر ساختار حکومت، افراد و گروه‌های تحت حکومت می‌توانند در نقش کارگزار عمل کنند؛ یا این‌که، در برابر ساختار سیستم بین‌الملل، کارگزاری دولت‌ها وجود دارد. کارگزارگرایان، اصالت ساختار را به چالش می‌کشند و حتی، بعضاً، وجود ساختار را نمی‌پذیرند. از نظر آن‌ها، این کارگزاران هستند که به‌عنوان سرمنشأ تحولات عمل می‌کنند. نظریه دوم به اولویت و تعیین‌کنندگی ساختار نسبت به کارگزار توجه دارد، آن‌ها اقدامات دولت‌ها را تابع اصول و قوانین عام می‌بینند که خارج از اراده مستقلانه دولت‌ها بر آن‌ها تحمیل گردیده است. این ساختار است که منافع ملی دولت‌ها را اولویت‌بندی کرده و مکانیسم‌های معینی برای تأمین آن‌ها تعریف می‌کند. حال، چنان‌که دولت‌ها خود را با الزامات ساختار هماهنگ کنند، زمینه مناسبی برای موفقیت در سیاست‌های خود خواهند داشت و در غیر این صورت، با ناکامی و فشار مواجه خواهند شد (قنبرلو، ۲۰۰۸: ۳۵۳). اما گروه سوم، سعی دارد بر دوگانه‌انگاری ساختار و کارگزار فایق آمده و رابطه دوجانبه آن‌ها را بررسی کند. این رویکرد متعلق به آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> است. او در

1. Anthony Giddens

نظریه خود به رابطه متقابل و دیالکتیکی و دوگانه عاملیت و ساختار تأکید می‌ورزد و هر دو را پدیده‌ای دوگانه می‌داند که به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در فعالیت‌های بشری در هم تنیده شده‌اند و به اعتقاد وی بایستی تنها به ارتباط متقابل دو سطح تأکید کرد (گیدنز، ۲۰۰۵: ۱۵-۱۶). در عرصه نظریه‌های روابط بین‌الملل، شاخص‌ترین فردی که از اصطلاح مزبور برای پی‌ریزی نظریه خود استفاده کرده، الکساندر ونت<sup>۱</sup> می‌باشد که از نظریه‌پردازان اولیه سازه‌نگاری به‌شمار می‌آید. به نظر ونت، برای درک صحیح معمای کارگزار-ساختار باید به دو نکته بنیادین درباره حیات اجتماعی توجه داشت. اول آن که، انسان‌ها و سازمان‌ها، کنشگرانی هدفمند هستند که کنش‌هایشان به بازتولید یا تغییر شکل جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، کمک می‌کند و دوم آن که، جامعه از روابط اجتماعی‌ای ساخته شده که به تعامل‌های میان این کنشگران هدفمند ساختار می‌دهد. به این ترتیب، کارگزاران انسانی و ساختارهای اجتماعی، در هم تنیده و در وابستگی متقابل به سر می‌برند (ونت، ۲۰۰۶: ۲۶۶). چنان که پیداست، رویکرد ساختاری، راه میانه‌ای بین دو رویکرد ساختارمحور و کارگزارمحور ترسیم می‌کند. در این رویکرد، کارگزاران نه در برابر الزامات ساختار منفعلند و نه این قابلیت را دارند که به نحو انقلابی ایده‌های خود را حاکم گردانند، بدون این که در برابر موانع ساختاری متوقف شوند. در واقع روابط بین‌الملل، عرصه تحول مستمر کارگزاران و ساختارها از طریق قوام‌دهی متقابل و مستمر بین آن‌هاست (قبرلو، ۲۰۰۸: ۳۵۸). بدین ترتیب، نظریه ساختاری گیدنز، در بافت و زمینه قراردادن کارگزار مبین آن است که در نسبت دادن علیت سیاسی، ضرورت دارد که کنش اجتماعی و سیاسی را در درون زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهد قرار داد (مارش و استوکر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۳۲۷).

سیاست ایران در منطقه خاورمیانه از ابتدا تاکنون بر این محور قرار گرفته است که بتواند از تغییر ساختار قدرت در منطقه به ضرر خود جلوگیری کند و یا این که بتواند ساختار قدرت را به نفع خود تغییر دهد (سیمبر و قاسمیان، ۲۰۱۵: ۱۴۹). محدوده‌ی جغرافیایی تأثیر و نفوذ سیاست ایران از مناطق پیرامونی شروع و تا آفریقا و آمریکای لاتین امتداد می‌یابد (لاب<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶: ۳۱۳)؛ این نفوذ در همه جا به یک اندازه نیست. نفوذ و تأثیر ایران در خاورمیانه بیشتر و در مناطق دوردست به نسبت کمتر است. سیاست ایران در تمامی این مناطق به‌ویژه در خاورمیانه تحت تأثیر کنشگران دولتی شامل کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه، کنشگران غیردولتی منطقه‌ای شامل: القاعده، بعثی‌ها، پ.ک.ک در ترکیه، حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله و کنشگران دولتی فرامنطقه‌ای شامل: آمریکا، روسیه، چین، اتحادیه‌ی اروپا و کنشگران غیردولتی فرامنطقه‌ای شامل گروه‌های تروریستی بین‌المللی بوده است (لطفیان، ۲۰۰۸: ۱۹۹). در پژوهش حاضر شهید سلیمانی در مقام کارگزار و سپاه قدس به‌عنوان یکی از اجزای ساختار کل (نظام جمهوری اسلامی) در نظر گرفته شده است تا نقش آن مورد ارزیابی و رصد قرارگیرد. اگرچه شهید سلیمانی همواره خود را سرباز انقلاب و ولایت می‌دانست (کاوه، ۲۰۱۹) و هیچ موفقیتی را به نام خود نمی‌نوشت (دولت پسندی، ۲۰۲۰: ۸-۹)؛ اما از این

---

1. Alexander Wendt  
2. Marsh and Stoker  
3. Lob

زاویه که گروهی می‌کوشند شهادت ایشان را عامل ضعف در قدرت ایران معرفی سازند. پیش‌فرض گرفتن نقش کارگزار برای ایشان می‌تواند به فهم موضوع کمک نماید.

### نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه، قبل از شهادت سردار سلیمانی

با توجه به جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ایران، ابتدا نفوذ تهران در عراق، یمن و سوریه در دوره پیش از شهادت سردار سلیمانی بررسی و آنگاه با تحولات پس از آن مقایسه می‌گردد تا تأثیر و پیامدهای ترور شهید سلیمانی بر نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران مشخص گردد.

#### سوریه

روابط جمهوری اسلامی ایران با سوریه دارای سابقه‌ای طولانی است. این روابط از مخالفت با اسرائیل در منطقه و حمایت از محور مقاومت شروع و تا حمایت سوریه از ایران در دوران جنگ تحمیلی را در بر می‌گیرد (سوفان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۲-۱). اهمیت روابط ایران و سوریه به گونه‌ای است که رهبر انقلاب در ملاقات سال ۱۳۸۵ با بشار اسد، ایران و سوریه را «عمق استراتژیک» یکدیگر نامیدند و روابط دو کشور را از دیرینه‌ترین و ممتازترین روابط کشورهای منطقه دانستند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۸ فوریه ۲۰۰۷). سوریه به دلیل مرز مشترک با اسرائیل و ایفای نقش لجستیکی در ارسال کمک برای حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی، در سیاست امنیت منطقه‌ای ایران دارای اهمیت ویژه است (فولر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۱۴). این کشور نقش مؤثری در برهم زدن ائتلاف کشورهای بلوک سنی علیه ایران و موازنه‌سازی در برابر اعراب داشته است. متقابلاً ایران نیز از هیچ‌گونه حمایتی از دولت بشار اسد کوتاهی نکرده است. به نحوی که در بحران داخلی این کشور (۲۰۱۱-۲۰۱۲) به نقطه ثقل حمایت سیاسی-امنیتی، اطلاعاتی و اعزام مستشاران و نیروهای داوطلب نظامی تبدیل گردید (کیانی، ۲۰۱۲: ۲۴). عملکرد نیروهای مستشاری ایرانی در سوریه عبارت بود از: مبارزه با تکفیری‌ها در سوریه، تشکیل بسیج نیروی «دفاع وطنی»، پایش رفتار و فعال‌سازی کانون‌های بسیج با محوریت فرهنگی، تشکیل بسیج سازندگی با عنوان «جهاد البناء» جهت تقویت روح وحدت و رفع مشکلات اقتصادی، توزیع کتاب‌های دفاع مقدس در بین مردم و فرماندهان نیروی نظامی در سوریه، بسیج نیروهای انسانی از سایر کشورها (مدافعان حرم) نقش اصلی در سازماندهی و هدایت این نیروها بر عهده شهید سلیمانی بود. با استراتژی‌های طراحی شده توسط او، ایران توانست هم بشار اسد را در قدرت نگاه‌دارد و هم این‌که داعش و طرح‌های دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را خنثی نماید (سوفان، ۲۰۱۸: ۴-۵). اثرگذاری جایگاه شهید سلیمانی در این تحولات به قدری بود که نخست‌وزیر سابق سوریه، «حیجاب»، او را «فرمانده اصلی میدان» و «پیش‌برنده تحولات سوریه» می‌دانست و در این باره به صراحت گفت «آنچه روشن است این است که مساعده‌های ایران و سپاه نقش مؤثری در بقای سیاسی بشار اسد داشته است» (جانسیز و

1. Soufan

2. Fuller

همکاران، ۲۰۱۵: ۸۶-۸۵). این اثربخشی از زبان مسئولان ایرانی نیز بارها بیان شده است. حسین امیرعبداللّه‌یان، معاون وقت عربی و آفریقایی وزارت خارجه، در این خصوص اظهار داشت «اگر کمک‌های جدی مستشاری ایران در سوریه نبود، دمشق از دست رفته بود» (امیرعبداللّه‌یان، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۵).

## عراق

عراق کشوری کلیدی و مهم برای ایران است. تا پیش از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ سیاست‌های عراق هم‌سو با دیگر کشورهای عرب منطقه و در تقابل با ایران قرار داشت؛ اما با به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور موازنه قدرت در منطقه به نفع ایران تغییر کرد. اشتراکات مذهبی و تاریخی ملت عراق با ایرانیان به فرصتی برای پیوند جریان‌های شیعی عراق با ایران و پیش‌برد سیاست‌های منطقه‌ای تهران تبدیل گردید (بدیعی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). روزنامه‌ی نیویورک تایمز در تحلیلی در این خصوص آورده است «امروز عناصر اصلی دولت شیعه عراق افرادی هستند که عموماً از لحاظ سیاسی و مذهبی و شخصی بیشترین وابستگی‌ها را به ایران دارند» (صادقی و عسگرخانی، ۲۰۱۲: ۹۳۸). روزنامه الشرق الاوسط نیز در یادداشتی با ارزیابی ضریب نفوذ ایران در عراق می‌نویسد: «احزاب دینی شیعی در عراق در رأس قدرت‌اند و حکومت این کشور را تشکیل می‌دهند و نفوذ ایران در این کشور، از لحاظ سیاسی و نظامی بسیار بالا است. شبه نظامیان مطرح عراق همگی پشتیبان ایران هستند و دیگر برای همه روشن است که تداوم حرکت سیاسی و ثبات عراق به مواضع ایران بستگی دارد» (روحی‌دهنه و مرادی کلارده، ۲۰۱۶: ۲۸۶).

یکی از برجسته‌ترین نموده‌های همکاری دو کشور در سال ۱۳۹۳ رقم خورد. زمانی که داعش سرنگونی دولت شیعی عراق را در دستور کار خود قرارداد و موفق شد بیش از یک سوم سرزمین عراق را به کنترل خود در آورد. مهم‌ترین پیامد این رویداد صرف‌نظر از هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی، عبارت بود از: استعفای اجباری نخست‌وزیر عراق نوری‌المالکی، ورود نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به عراق، مشارکت نیروهای ایرانی شامل عناصر زرهی و هوایی برای مبارزه با داعش و کمک‌های نظامی و لجستیکی روسیه به عراق. بدین ترتیب با بازیابی مجدد قدرت ارتش عراق، بخصوص حضور سپاه قدس ایران و تشکیل نیروهای بسیج مردمی عراق، به تدریج داعش در عملیات‌های متعدد شکست خورد و از خاک عراق عقب‌نشینی نمود (شفیعی‌سیف‌آبادی و باقری‌دولت‌آبادی، ۲۰۲۱: ۱۳۸). نقش آفرینی شهید سلیمانی در شکل دادن نیروهای بسیج مردمی و کمک‌های مستشاری به این کشور به‌ویژه در جریان آزادسازی مناطق راهبردی «آمرلی» و «جرف الصخر» در رسانه‌های منطقه‌ای و جهانی بارها مورد تأکید قرار گرفته است (روزن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

پس از سقوط داعش نیز ایران مهم‌ترین اقدامات مستشاری خود در عراق را بر مؤلفه‌های زیر متمرکز کرد: ۱- حضور پررنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیش‌روی داعش؛ ۲- تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش بر اساس فرمان مرجعیت؛ ۳- ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت

1. Badie

2. Rozen

جلوگیری از پیش‌روی داعش در اقلیم؛ ۴- سازماندهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش؛ ۵- انجام فعالیت مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش توسط سپاه قدس؛ ۶- تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران (اکبرپور و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۲۶). اقدامات شهید سلیمانی در مبارزه با داعش «نفوذ ایران در عراق را عمیق‌تر» ساخت. بستر این نفوذ با پیروزی ائتلاف سیاسی فتح، گروهی متشکل از رهبران سپاه بدر، کتائب حزب الله، عصائب اهل الحق و گردان‌های امام علی- که در طول این مبارزه همراه شهید سلیمانی بودند - در انتخابات پارلمانی مه ۲۰۱۸، رقم خورد (واتکینز<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۳).

### یمن

یمن از سال ۲۰۰۴ درگیر ناآرامی‌های داخلی بوده است. این ناآرامی‌ها در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ گسترده‌تر شد و با گسترش به استان صعده، به دخالت نظامی عربستان منتهی گردید. علت دخالت عربستان نیز این برداشت بود که شیعیان زیدی از جانب ایران حمایت و پشتیبانی می‌شوند و نفوذ ریاض در یمن رو به کاهش است. با وجود حضور نظامی عربستان در یمن، حوثی‌ها به تدریج قدرت بیشتری یافتند و توازن قوا را بر هم زدند و روایت حاکم از نظم سیاسی را به چالش کشیدند (گروه بین‌المللی بحران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). آن‌ها برای موفقیت هم به کمک‌های مستشاری و هم به کمک‌های بشردوستانه ایران نیاز داشتند. جمهوری اسلامی ایران نیز با برقراری خطوط پروازی مستقیم بین تهران و صنعا این نقش را ایفا کرد. علاوه بر این؛ ایران از مسیر دریایی به ارسال کمک‌های بشردوستانه و غذا برای مردم یمن اقدام نمود. ورود ایران به بحران یمن را از چند زاویه می‌توان بررسی کرد: نخست از منظر قانون اساسی و تعهد ایدئولوژیک ایران برای حمایت از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش؛ دوم صدور انقلاب اسلامی به خارج از مرزهای خود؛ سوم حمایت از شیعیان در سراسر جهان، چهارم تعارض با اسرائیل و برنامه‌های این رژیم در منطقه؛ پنجم، خطر گسترش تروریسم و القاعده در خاورمیانه و ششم حمایت از منافع اقتصادی ایران در تنگه باب‌المندب و خلیج عدن (رمضان<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰).

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن -به‌ویژه حوثی‌ها- عمیق و در میان آن‌ها تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبارستیزی کاملاً مشهود است (نجات و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۶۷). حسین الحوثی رهبر پیشین این جنبش هیچ سخنرانی نداشته است که از امام خمینی(ره) به عظمت یاد نکند. براثت از مشرکان، روز قدس، بزرگداشت روز عاشورا و بسیاری از موارد دیگر به‌صورت جدی مورد حمایت وی بوده است. همچنین حسین الحوثی شعارهای جمهوری اسلامی ایران از جمله شعارهای «الله اکبر»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «نفرین بر یهود» و «پیروز باد اسلام» را

1. Watkins  
2. International Crisis Group  
3. Ramadhan

به‌عنوان شعار رسمی شیعیان این منطقه اعلام کرده است (تلاشان، ۲۰۱۲: ۲۴-۲۰). حمایت‌های مستشاری ایران از این گروه که زیرنظر فرمانده سپاه قدس ایران، شهید سلیمانی، انجام می‌گرفت موجب گردید تا این جنبش به تدریج بتواند پیروزی‌های نظامی خود را در برابر ائتلاف رهبری عربستان - که از سال ۲۰۱۵ حمله به یمن را در دستور کار خود قرارداد- تثبیت نماید. به‌نحوی که در تحولات میدانی این جنبش توانست کنترل اکثر بخش‌های کشور را در دست بگیرد. شهید سلیمانی توانست در یمن نسخه‌ای مشابه حزب‌الله لبنان را ایجاد نماید که نه تنها به لحاظ سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی هم‌راستا با جمهوری اسلامی است بلکه از آرمان‌های جمهوری اسلامی در تشکیل جبهه مقاومت در منطقه و استکبارستیزی نیز حمایت می‌نماید.

## شهادت سردار سلیمانی و قدرت منطقه‌ای ایران

### سوریه

در خصوص حضور ایران در سوریه و قدرت منطقه‌ای ایران دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه نخست بر این باور است که شهادت شهید سلیمانی و حملات هوایی اسرائیل علیه شبه‌نظامیان ایرانی و نیروهای دولتی در سوریه بر قدرت نظامی ایران تأثیر منفی نگذاشته است. این حملات موجب گردیده تا تهران به‌جای استراتژی خروج از سوریه، استراتژی تقویت نیروها و نامحسوس‌سازی حضور و تمرکز آنها در یک مکان نظامی مشخص را در پیش گیرد. این پراکندگی نیروها عملاً به کارت برنده آن تبدیل شده است و آسیب‌پذیری آنها را کمتر کرده است (النفال<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۲). طرفداران این دیدگاه معتقدند که ایران و شبه‌نظامیان مورد حمایت آن بعد از شهادت سردار سلیمانی از اهداف خود عقب‌نشینی نکرده‌اند؛ بلکه «تفکر و ترتیب مجدد اولویت‌ها و اقدامات در میدان» را تغییر داده‌اند. بنابراین همچنان «شبه‌نظامیان [شیعه] مطابق با منافع و ایدئولوژی خود به فعالیت‌هایشان ادامه می‌دهند» (همان)

برخی تحلیلگران غربی همچون پارکر و نواک معتقدند ایران پس از ترور شهید سلیمانی از طریق حزب‌الله شبکه نیابتی مورد حمایت خود را در سوریه مدیریت کرده است. چرا که حزب‌الله «شریکی قدرتمند» است و «نفوذ زیادی در این کشور دارد» (پارکر و نواک<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰: ۱). طبق این استدلال‌ها شهید سلیمانی نقش اساسی در زمینه‌سازی و ساختن ساختارهای نفوذ منطقه‌ای ایران داشته است. بنابراین تصور این که ایران در نتیجه شهادت او از اهداف منطقه‌ای خود عقب‌نشینی خواهد کرد غیرقابل پذیرش است. در واقع ایران پس از شهادت شهید سلیمانی به دنبال نهادینه‌سازی مشارکت فعال خود در سوریه از طریق توافقات نظامی و اقتصادی جدید با دمشق بوده است (الصمدی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱: ۴). توافقات اقتصادی تهران عموماً در حوزه بازسازی شهرها و زیرساخت‌های عمرانی و صنعتی بوده است. حوزه‌هایی که همچون بازسازی لبنان پس

---

1. Al Nofal  
2. Parker & Noack  
3. Alsmadi



از جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بیشتر به چشم مردم سوریه خواهد آمد و بر قدرت نرم آن خواهد افزود (لاب، ۲۰۲۱: ۲۲۳-۲۴۲).

در مقابل دیدگاه‌های فوق، گروهی دیگر از پژوهشگران و تحلیلگران سیاسی بر این اعتقادند که شهادت شهید سلیمانی نقطه آغاز ضربات بعدی به پیکره و بدنه سپاه قدس در سوریه بوده است. آنها مدعی هستند که پس از این ترور، اسرائیل به صورت بی پروا و مکرر به اهداف ایرانی در سوریه حمله کرده و تلاش نموده است تا شبکه قدرت ایجاد شده از سوی شهید سلیمانی را متلاشی سازد. در این خصوص اسرائیل مدعی است تاکنون ۴۰۰ حمله هوایی در سوریه و سایر بخش‌های خاورمیانه انجام داده است. رهبران اسرائیل از این کارزار به عنوان «جنگی میان جنگ‌ها»<sup>۱</sup> یاد می‌کنند که هدف آن بازدارندگی در مقابل ایران و تضعیف توانایی آن برای ضربه زدن به اسرائیل است (نيسنباوم<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲: ۱).

طرفداران این دیدگاه بر این باورند که جانسین شهید سلیمانی به اندازه او از محبوبیت و نفوذ نزد گروه شبه نظامی شیعه در غرب آسیا برخوردار نیست و حوزه تخصص وی افغانستان و پاکستان است (ابراهیم، ۲۰۲۰: ۳). به همین خاطر با شهادت شهید سلیمانی نوعی خلاء فرماندهی در سوریه و عراق ایجاد شده است. این خلاء راه را برای ضربات بیشتر اسرائیل باز کرده است. مخالفین دیدگاه فوق این ادعاها را رد نموده و مدعی هستند اولاً؛ حملات اسرائیل به سوریه از سال ۲۰۱۷ و قبل از شهادت شهید سلیمانی شروع شده و ارتباطی با شهادت او و خلاء قدرت ندارد. ثانیاً؛ این حملات هیچ تغییر محسوسی در نفوذ ایران در سوریه ایجاد نکرده و همواره این حملات با پاسخ‌های متقابل ایران همراه شده است. به عنوان مثال آن‌ها به موشک باران یکی از پایگاه‌های امنیتی این رژیم در اربیل عراق اشاره می‌کنند که بلافاصله پس از ترور احسان کربلایی‌پور و مرتضی سعیدنژاد، دو نیروی مستشاری ایران در سوریه، اتفاق افتاد (فصیحی، برگمن و اشمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲: ۱). همچنین طرفداران این دیدگاه معتقدند اهمیت سوریه برای حفظ و تقویت جبهه مقاومت در منطقه به اندازه است که ایران به هیچ وجه با چنین حملاتی از سوی اسرائیل از آن دست نخواهد کشید (لاب، ۲۰۲۱: ۲۲۳-۲۴۲).

## عراق

مصادف شدن شهادت شهید سلیمانی با اعتراضات سیاسی داخلی در عراق و تعرض به کنسولگری ایران در کربلا باعث گردید پس از عملیات تروریستی آمریکا دو دیدگاه درباره نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران در همسایه غربی‌اش شکل بگیرد: دسته اول که به جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های شبه‌نظامی عراق نزدیک هستند استدلال می‌کنند شهادت قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس نه تنها به کاهش و نفوذ قدرت

1. War between the wars
2. Nissenbaum
3. Fassihi, Bergman & Schmitt

ایران در عراق منتهی نشده است؛ بلکه زمینه را برای کنشگری فعال تر ایران فراهم ساخته است. آنها برای این ادعای خود به چهار پیامد شهادت شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس اشاره می‌کنند:

۱- شهادت این دو فرمانده جبهه مقاومت، موج آمریکاستیزی و اسرائیل‌ستیزی را در عراق تقویت کرده است. اولین جلوه این آمریکاستیزی در تظاهرات میلیونی مردم عراق علیه اشغال‌گری آمریکا در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۸ منعکس شد. همچنین پس از این ترور فضای سنگینی علیه حضور نیروهای امریکایی در عراق شکل گرفت؛ تا جایی که در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۹۸ مجلس این کشور مصوبه‌ای برای خروج آمریکا از عراق به تصویب رساند.

۲- به اعتقاد آنها حملات راکتی به پایگاه‌های آمریکا در عراق که تا پیش از ترور شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس به صورت پراکنده و به ندرت صورت می‌گرفت پس از ترور فرماندهان مقاومت، شدت بیشتری پیدا کرد. تا آوریل ۲۰۲۱، یعنی دو ماه پس از شهادت شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس حداقل ۱۶ گروه مقاومت جدید در عراق برای مقابله با حضور ایالات متحده تشکیل شده بود. ضربات نظامی این گروه‌های شبه نظامی به آمریکا موجب گردید تا پایان آگوست ۲۰۲۰، نیروهای امریکایی هشت پایگاه را تخلیه کنند (مجموعه تحلیلی خبری تحولات جهان اسلام، ۲۰۲۱). همچنین آنها گفتگوهای راهبردی را در ژوئن ۲۰۲۰ با دولت عراق با هدف خروج نیروهای خود از خاک این کشور آغاز کردند (کوردسمن، ۲۰۲۱: ۱). این گفت‌وگوها منجر به آن گردید تا ژانویه ۲۰۲۱، تعداد نیروهای امریکایی در عراق از بیش از ۵۰۰۰ به حدود ۲۵۰۰ نفر کاهش پیدا کند (گارمونه، ۲۰۲۱: ۲). بنابراین «برخلاف قصد ترامپ، ترور [شهید] سلیمانی نقش ایران در عراق را در کوتاه‌مدت تغییر چندانی نداد و همچنین نتوانست شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران را از هدف قراردادن منافع ایالات متحده باز دارد. برعکس، تهدیدها علیه مواضع و نیروهای امریکایی در عراق از آن زمان به بعد به میزان قابل توجهی افزایش یافت» (عزیزی، ۲۰۲۱: ۸).

۳- هم‌راستا با تحولات فوق، در داخل ایران نیز بحث خروج آمریکا از منطقه -که آیت‌الله خامنه‌ای آن را بخشی از انتقام خون شهید سلیمانی دانستند- شدت پیدا کرد. در نتیجه مجلس ایران که بلافاصله پس از ترور شهید سلیمانی، لایحه افزایش ۲۰۰ میلیون یورویی بودجه سپاه قدس را تصویب کرده بود؛ در آغاز سال ۲۰۲۱، بار دیگر درصدد افزایش بودجه این نیرو برآمد. این افزایش بودجه و انتظار برای گرفتن انتقام خون شهیدان جبهه مقاومت، به معنای فعال تر شدن این نیرو در خاورمیانه بود. تشکیل ۶۷ گروه شبه‌نظامی در عراق و ۳۴ گروه شبه‌نظامی در سوریه (النقال، ۲۰۲۰: ۳) بخشی از سازماندهی جدید شبه‌نظامیان شیعی در منطقه توسط ایران برای عمق و وسعت بخشیدن به نفوذ رو به گسترش خود بوده است.

۴- علی‌رغم این که پس از شهادت شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس فضای رسانه‌ای منفی‌ای علیه نقش ایران در عراق شکل گرفت و گروه‌های شیعی طرفدار ایران نتوانستند پیروز انتخابات مجلس در سال ۱۴۰۰ گردند اما با تشکیل دولت محمد شیاع السودانی، ایران توانست مهم‌ترین جریان سیاسی مخالف خود

1. Cordesman

2. Garmone

که به رهبری مقتدا صدر در حال تشکیل بود را از مرکز ثقل قدرت دور سازد. به ادعای طرفداران این دیدگاه «رفتار برخی از گروه‌های عراقی مورد حمایت ایران ظاهراً ممکن است آشفته به نظر برسد، اما این بدان معنا نیست که ایران کنترل خود را بر آن‌ها از دست داده است. در عوض، سپاه روند بازسازی و تقویت کنترل این جناح‌ها را آغاز کرده است تا آن‌ها را منضبط‌تر و تأثیرگذارتر کند» (الصمدی، ۲۰۲۱: ۲).

در مقابل استدلال‌های فوق گروه دوم که مخالفین جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند معتقدند پس از شهادت شهید سلیمانی از میزان تحمیل اراده ایران بر گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در عراق کاسته شده است و آنها در چندین نوبت بدون هماهنگی با تهران دست به اقدامات مستقل و دردسرساز زده‌اند. سوء قصد به مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق و پرتاب پهپاد از عراق به اسرائیل در جریان عملیات نظامی این رژیم علیه حماس در ماه می ۲۰۲۱ از جمله این اقدامات است (زمیر<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۶۳). آنها همچنین استدلال می‌کنند ترور شهید سلیمانی انسجام برنامه‌های سیاسی و نظامی ایران را در عراق از هم گسسته است (پاتل<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰: ۵). آنها کسب ۷۱ کرسی توسط جریان وابسته به مقتدی صدر در انتخابات مجلس را مهم‌ترین نشانه دور شدن شیعیان از دولت ایران ذکر می‌کنند. به اعتقاد آنها اگرچه خطاهای محاسباتی مقتدی صدر موجب گردید نتواند از فرصت پیش آمده برای تشکیل دولت استفاده نماید؛ اما این به معنای افزایش قدرت گروه‌های طرفدار ایران نیست. بالعکس، فضای سیاسی- روانی عراق، علیه ایران و مداخله تهران در امور این کشور است. به همین خاطر مردم عراق ایران را مقصر وضع فعلی و آشفته کشور خود می‌دانند و هر زمان اعتراضات سیاسی شروع گردد جلوه ضدایرانی به خود خواهد گرفت (پاتل، ۲۰۲۰: ۲). کما این که در اعتراضات طرفداران مقتدی صدر در تابستان ۱۴۰۱ عکس‌ها و پوستره‌های شهید سلیمانی در خیابان‌های عراق به آتش کشیده شد.

اگرچه اعتراضات سیاسی علیه نقش‌آفرینی ایران در تحولات عراق طی یک دهه اخیر افزایش یافته است و ممکن است برخی جریانات سیاسی تهران را مقصر وضع پیش آمده معرفی نمایند (الداغر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸: ۳-۱)؛ اما به نظر می‌رسد عدم ثبات سیاسی و توسعه‌نیافتگی عراق ربطی به سیاست‌های ایران ندارد. عراق پس‌اصدام پیوسته درگیر بحران هویت، بحران مشروعیت، واگرایی قومی و مذهبی، خشونت فزاینده، مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای (از جمله ترکیه و عربستان) و فرامنطقه‌ای (آمریکا) بوده است (التیامی‌نیا و باقری دولت‌آبادی، ۲۰۲۱: ۱۸۱-۱۸۰). این توسعه‌نیافتگی و ناآرامی‌های سیاسی بدون حضور ایران در عراق نیز پایان نخواهد یافت. عراق از فقدان حکمرانی خوب<sup>۴</sup> رنج می‌برد و آمار فقر، فساد و بیکاری در آن بالا است. علاج این درد تنها از طریق اصلاحات اقتصادی- سیاسی امکان‌پذیر است و بدون آن اعتراضات خشونت‌بار همچنان تداوم خواهد داشت (باقری دولت‌آبادی و شفیع‌سیف‌آبادی، ۲۰۲۰: ۱۰۱). با این حال باید گفت

1. Zamir  
2. Patel  
3. Al-Dagher  
4. Good Governance

فضای ضدایرانی و ایران هراسی - که متأثر از رسانه‌های عربی منطقه و تبلیغات ضدایرانی از سوی آمریکا و اسرائیل شکل گرفته - به شدت در حال افزایش است و این می‌تواند آینده برنامه‌های منطقه‌ای ایران را به خطر اندازد (رابینسون، ۲۰۲۲: ۱-۴).

### یمن

برخلاف عراق و سوریه که تردیدهایی در خصوص نقش و قدرت منطقه‌ای ایران پس از شهادت شهید سلیمانی به وجود آمده است در یمن ایران و شبه‌نظامیان مورد حمایت آن هم‌چنان در موضع قدرت قرار دارند. اساساً آنچه ایران و انصارالله یمن را به یکدیگر پیوند زده است فراتر از تحولات جاری در این کشور است و شهادت شهید سلیمانی نمی‌تواند آن را متوقف سازد. علت این مسأله به چند عامل باز می‌گردد:

۱- در پنجاه سال گذشته حوثی‌های یمن بازاندیشی‌هایی در اندیشه‌های خود داشته‌اند (غیریت سازی با وهابیت، ارائه قرائتی فراگیر از زیدیه برای نزدیکی به شیعه امامیه و توجه به ارزش‌های سیاسی همچون جهاد و امر به معروف و نهی از منکر). این بازاندیشی‌ها آنها را به آرمان و اندیشه‌های انقلاب اسلامی نزدیک‌تر کرده است. از یک سو آنها نیز همانند ایران به دخالت‌های خارجی عربستان و آمریکا در یمن و روند پیگیری سکولاریسم از سوی قدرت‌های خارجی در این کشور معترض هستند. از سوی دیگر هویت اسرائیل به عنوان یک کشور را منکر گردیده و همچون تهران از آرمان فلسطین و جریان مقاومت حمایت می‌نمایند (لاب، ۲۰۲۱: ۲۳-۲۶).

۲- برخلاف عراق و سوریه که ایران هراسی در آنها شدید است و پیوسته بازتولید می‌شود، در یمن این تبلیغات کمتر است و تاکنون منجر به اعتراضات ضدایرانی نشده است. ایران پیوسته مداخلات خارجی و حمله نظامی به این کشور را محکوم نموده و بر حق تعیین سرنوشت و استقلال یمن تأکید ورزیده است. اگرچه تهران می‌کوشد نقش خود را در حد حمایت سیاسی، فرهنگی و دیپلماتیک از انصارالله یمن معرفی نماید اما طرف‌های غربی و کشورهای عرب منطقه، سهم حمایت‌های مالی و تسلیحاتی ایران را در پیروزی‌های نظامی حوثی‌ها غیرقابل انکار می‌دانند. دست‌یابی انصارالله به انواع مختلف تسلیحات از مین‌های دریایی گرفته تا موشک و پهپاد - که شباهت‌هایی به مدل‌های ایرانی دارد - و استفاده از آنها علیه کشتی‌ها، تأسیسات نفتی و فرودگاه‌های نظامی عربستان و امارات از جمله شواهدی است که غرب به آن استناد می‌کند (مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، ۲۰۱۹: ۱۵۹-۱۷۸). این تسلیحات توانسته است سرنوشت جنگ را به نفع انصارالله تغییر دهد و این نکته‌ای نیست که از چشم مردم یمن پنهان مانده باشد.

۳- تحولات میدانی در یمن (حمله پهپادی به شرکت «آرامکو» و فرودگاه‌های «ابها»، و پایگاه «خمیس مشیط» در سال ۱۳۹۸، آزادسازی ۲۵۰۰ کیلومتر از مناطق اشغال شده توسط ائتلاف تحت رهبری عربستان در سال ۱۳۹۹، محاصره کامل شهر راهبردی «مأرب» و آزادی مناطق «التجدالاسود»، «الزور»، «شعب

الحمراء»، «الحفاه»، «وادی اراک»، «قاع المنجوره»، «وادی ذنبه»، «صنفة» و «الطلعة الحمراء» در سال ۱۴۰۰ نشان دهنده این است که شهادت شهید سلیمانی منجر به تضعیف جبهه مقاومت در یمن نشده است. در عوض در نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تهران بخشی از راه حل پایان جنگ یمن و گفتگوهای آتش‌بس معرفی شده است (الصمدی، ۲۰۲۱: ۴). در پنج دور مذاکرات تنش‌زدایی بین ایران - عربستان که با میانجی‌گری عراق برگزار شده است، موضوع یمن بخش مهم و اصلی دستور کار مقامات سیاسی دو کشور بوده است. در این خصوص الیزابت کندال<sup>۱</sup> پژوهشگر ارشد مطالعات عربی و اسلامی در کالج پمبروک آکسفورد<sup>۲</sup>، معتقد است: «عربستان سعودی به شدت نیازمند یافتن راهی برای خروج از جنگ یمن است که هم منفور و هم غیرقابل پیروزی شده است» (قنطوس<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱).

### نقش ساختارها در قدرت منطقه‌ای ایران

همان‌گونه که در چارچوب نظری بیان شد در خصوص مسئله ساختار - کارگزار سه نظریه وجود دارد. نظریه اول به اولویت و اهمیت ساختار نسبت به کارگزار (اشخاص) توجه دارد؛ نظریه دوم به اولویت کارگزار نسبت به ساختار معتقد است؛ اما گروه سوم سعی دارد بر دوگانه‌انگاری ساختار و کارگزار فائق آید و رابطه دوجانبه آن‌ها را به شکل قوام‌بخشی متقابل بررسی کند (حقیقت، ۲۰۱۵: ۵۰۵). بررسی تحولات اتفاق افتاده در منطقه، پس از ترور شهید سلیمانی نشان می‌دهد نفوذ منطقه‌ای ایران هم‌چنان به قوت قبل باقی است. این امر گویای این نکته است که ساختار در ایران به خوبی نقش خود را ایفا می‌کند. این ساختار که مجموعه‌ای منسجم تحت فرماندهی رهبری است به هیچ وجه با از دست دادن یک فرمانده تحلیل نرفته؛ بلکه انگیزه و روحیه بیشتری پیدا کرده است.

این ساختار سیاسی، فکری، عقیدتی و نظامی است که فرصت ظهور و نمود فرماندهانی همچون شهید سلیمانی را فراهم نموده است. شناخت موقعیت‌ها، هوشیاری، دشمن‌شناسی و بصیرت، قوت و صلابت، کار و تلاش مضاعف، همت و احساس مسئولیت اگرچه به‌عنوان برخی از شاخصه‌های شخصیتی شهید سلیمانی شناخته می‌شوند (عرفانی‌فر، ۲۰۱۹: ۷۱-۶۸). اما این شاخصه‌ها منحصر به فرد نیستند و در دیگر فرماندهان ایرانی نیز وجود دارد. به عبارت دیگر شهید سلیمانی همانند شهید همت، شهید کاظمی، شهیدان باکری و... پرورش یافته مکتب امام خمینی(ره)، انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران است. تا زمانی که این مکتب بر اساس کارکردهای فرهنگی - جامعه‌شناختی تعریف شده برای آن در حال فعالیت است ظهور فرماندهانی در طراز شهید سلیمانی امری دور از انتظار نیست.

نکته برجسته در این ساختار این است که متصلب و غیرقابل انعطاف نیست. ساختار به‌نجوی طراحی شده است تا یک فرمانده در هر رده‌ای بتواند خلاقیت‌ها و ابتکارهای مدیریتی و یا خصوصیات اخلاقی ممتاز

1. Elisabeth Kendall  
2. Pembroke College  
3. Ghantous

و خاص خود را به نمایش گذارد. بنابراین برخلاف آنچه برخی از کارشناسان سیاسی همانند کریم سجادیپور، عضو ارشد بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی، بیان می‌کنند ترور شهید سلیمانی «توانایی‌های ایران» را محدود نکرده است (سجادیپور، ۲۰۲۲). ایران علاوه بر این که اراده و نفوذ خود در منطقه را حفظ کرده است؛ از هیچ یک از اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود نیز عقب ننشسته است. به بیان دیگر؛ سپاه قدس یک مجموعه مستقل از دیگر نهادهای نظامی نیست. سپاه قدس زیرمجموعه سپاه و به لحاظ نهادی تحت تصمیمات شورای عالی امنیت ملی و ستادکل نیروهای مسلح است و این ساختار پس از ترور شهید سلیمانی هم‌چنان حفظ شده است.

اسماعیل قآنی، جانشین شهید سلیمانی در فرماندهی سپاه قدس ایران، فردی است که در این ساختار پرورش یافته و به تحقق کارکردهای سیستمی مورد انتظار از سپاه قدس کمک کرده است. او از نزدیکان شهید سلیمانی بود و در هشت سال دفاع مقدس در کنار او حضور داشت. آنها، سال‌ها از نزدیک با هم همکاری داشتند. وی نقش بسزایی در تحولات کشورهایی که سپاه قدس در آن حضور دارد از جمله لبنان، عراق، سوریه و افغانستان داشته است. او در جنگ سال ۲۰۰۶ بین حزب‌الله و اسرائیل و همچنین در حمله اسرائیل به غزه در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ حضور مسئول تأمین مالی و تسلیحاتی جنبش‌های مقاومت در منطقه بوده است (الصمدی، ۲۰۲۱: ۳). بنابراین قآنی در همان ساختار و چهارچوبی که از قبل در سپاه قدس برای اهداف منطقه‌ای ایران در نظر گرفته شده بود حرکت خواهد کرد. او قادر به تغییر ساختارها نیست اما در مقام یک کارگزار می‌تواند آن را روان‌تر، فعال‌تر، چابک‌تر، اصلاح و بازسازی نماید تا با سرعت و کیفیت بیشتری پیش رود.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان دادند که در ارزیابی رابطه کارگزار و ساختار اگرچه تقدم هستی‌شناختی با کارگزار است اما این به معنای برتری آن بر ساختار نیست؛ بلکه بین آن‌ها نوعی رابطه ساخت‌یابی وجود دارد. بدین معنا که کارگزاران ساختارها را می‌سازند اما به هیچ‌وجه اسیر و منقاد آن نمی‌گردند. ساختارها به شکلی ترتیب داده می‌شوند که خلاقیت‌ها را سرکوب نکنند و افرادی ماشینی خلق نکنند. آنها قابلیت این را دارند که منعطف باشند و برحسب شرایط زمان و مکان برای رسیدن به اهداف اصلاح گردند. ساختارها این فرصت را به کارگزار می‌دهند تا ابتکارات خود را برای بهبود عملکرد سازمان را به نمایش بگذارند. البته این معنای ژله‌ای بودن آن‌ها و تغییرات مداوم نیز نیست. بلکه دایره این اصلاح و تغییرات محدود و در چارچوب قانون است. ساختارها به افراد درون خود هویت بخشیده؛ آن‌ها را معنادار می‌سازند. افراد نیز متقابلاً نوعی تعهد به ساختار داشته و برای حفظ و تداوم آن می‌کوشند. آن‌ها در یک رابطه دوسویه قرار دارند و همدیگر را قوام و تکامل می‌بخشند.

شهید قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، کوشید تا از این قابلیت سازمان، به خوبی استفاده کند و برای تحقق مأموریت‌ها و اهداف آن، تاکتیک‌ها، روش‌ها و ابزارهای جدیدی به خدمت بگیرد. مجموعه این خلاقیت‌ها و ابتکارات موجب گردید تا در مدت حضور در مقام فرماندهی سپاه قدس دستاوردهای بی نظیری برای توسعه نفوذ ایران در منطقه به دست آید. این دستاوردها برخلاف آنچه که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و مشاورانش می‌پنداشتند به هیچ‌وجه با حذف فیزیکی وی از دست‌رفتنی نیست. زیرا مکتب امام خمینی(ره) شاگردان و فرماندهان بسیار دارد که راه یکدیگر را ادامه خواهند داد. به همین خاطر است که پس از شهادت شهید سلیمانی از میزان نفوذ و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران کاسته نشده است. جمهوری اسلامی ایران و نیروی قدس سپاه همچنان در سوریه، عراق، لبنان و یمن فعال است. کشورهایی که روزی در جبهه مقابل اسد قرار داشتند اکنون در صف احیای روابط سیاسی با این کشور ایستاده‌اند. دولت‌هایی که روزی سودای پیروزی سریع در یمن داشتند، اینک در صدد یافتن راه‌هایی برای پایان دادن به این جنگ پرهزینه و بی‌فایده هستند. محور مقاومت همچنان قدرت اصلی را در دست داشته و همه تصمیمات سیاسی در منطقه همراهی و مشارکت ایران را نیاز دارد.

## References

- Al Nofal, W. (2020). "Iran's post-Soleimani Strategy in Syria", *Syria Direct*, 14 January, <https://syriadirect.org/irans-post-soleimani-strategy-in-syria/>
- Al-Dagher, M. (2018). "Iran's Influence in Iraq Is Declining. Here's Why." *IIACSS*, 22 November, <https://iiacss.org/irans-influence-in-iraq-is-declining-heres-why-2/>
- Aliakbarpoor, R., Keshishyan Siraki, G., Dehshiri, M. R., Yalizadeh, A. (2020). "The Evolution of the Concept of Power and its Impact on the Regional Policy of Iran", *Journal of Politics and International Relations*, Vol.3, No. 6: 212-241. (In Persian)
- Alsmadi, F. A. (2021). "A Year without Soleimani: Will Iran Retreat Regionally?" *Al Jazeera*, 10 Jan, <https://www.aljazeera.com/opinions/2021/1/10/a-year-without-soleimani-will-iran-retreat-regionally>
- AmirAbdollahian, H. (2015). "Syria would have been Lost without the Help of Iran's Advisers", *interview with Asre Iran analytical website*, November 16, available at: <http://defapress.Ir/fa/news/79788>. (In Persian)
- Ayatollah Khamenei, S.A. (2007). "Meeting of the President of Syria with the Leader of the Revolution", *Ayatollah Khamenei's Works Preservation and Publishing Office*, February 18, available at: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1474>. (In Persian)
- Azizi, H. (2021). "Challenges to Iran's Role in Iraq in the Post-Soleimani Era, *Stiftung Wissenschaft und Politik*", *SWP*, No.44, July 2022. <https://www.swp-berlin.org/en/publication/challenges-to-irans-role-in-iraq-in-the-post-soleimani-era>
- Badie, D. (2017). *After Saddam: American Foreign Policy and the Destruction of Secularism in the Middle East*, US: Lexington Books.

- Bagheri Dolatabadi, A. (2020). “The Role of Martyr Soleimani in Designing Iran's Power and disrupting America's Calculations in West Asia: 2001-2020”, *The Second International Conference on the Second Step of the Revolution*, Tehran: Imam Hossein University: 1 -24. (In Persian)
- Bagheri Dolatabadi, A. (2022). “The Islamic Revolution and Creating School Thought: A Case Study of the Martyr Qasem Soleimani’s thought School”, *Holy Defense Studies*, Vol.7, No. 4: 27-50. (In Persian)
- Bagheri Dolatabadi, A., shafiee seifabadi, M. (2020). “Effective Factors on Unrest in Iraq: A Case Study of the Political, Economic and Social Dimensions of the 2019 Protests”, *Political studies of Islamic world*, Vol.8, No.4: 101-125. (In Persian)
- Cordesman, A. H. (2021). “The New Strategic Dialogue: Shaping the Iraqi-U.S. Relationship”, *CSIS*, July 14, <https://www.csis.org/analysis/new-strategic-dialogue-shaping-iraqi-us-relationship>
- Dolat Pansadi, M. (2020). “Identifying the Principles, Basics and Components of Jihadist Management Based on the Martyr Soleimani School”, *Second International Conference on the Second Step of the Islamic Revolution: The Martyr Soleimani School is a Model for the Training of Civilizing Jihadist Managers*, Tehran: Imam Hossein University. (In Persian)
- Eltiyaminia, R., Bagheri Dolatabadi, A. (2021). “The Role of Political-Cultural Structure on the Reproduction of Violence in Iraq after (2003-2020)”, *World Politics*, Vol.9, No. 1: 152-188. (In Persian)
- Erfanifar, A. (2019). “Strategic role of Hajj Qassem Soleimani in the formation of the axis of resistance and management of its monotheism”, *Shahid Beheshti School of Governance Quarterly: Transcendental Governance*, Vol.1, No. 1: 63-80. (In Persian)
- Fassihi, F., Bergman, R., Schmit, E. (2022). “Iran’s Attack Was Response to Secret Israeli Attack on Drone Site”, *The New York Times*, 16 March, <https://www.nytimes.com/2022/03/16/world/middleeast/iran-israel-attack-drone-site.html>
- Fuller, G. (2006). “The Hezbollah - Iran Connection: Model for Sunni Resistance”, *The Washington Quarterly*, Vol. 30, No. 1: 139-150.
- Garmone, J. (2021). “U.S. Completes Troop-Level Drawdown in Afghanistan, Iraq”, *U.S Department of Defense*, 15 Jan, <https://www.defense.gov/News/News-Stories/Article/Article/2473884/us-completes-troop-level-drawdown-in-afghanistan-iraq/>
- Geramian, S., Rezapoorhoshchi, M. (2015). “Globalization and Cultural Positions of Islamic Republic of Iran based On Agent- Structure theory”, *Strategic Studies of public policy*, Vol. 6, No.19: 130-166. (In Persian)
- Ghanbarloo, A. (2008). “A Survey on Approaches of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran through the Structure- Agent Model”, *Strategic Studies Quarterly*, Vol. 11, No. 40: 349-377. (In Persian)
- Ghantous, G. (2021). “Saudi Crown Prince Softens Iran Rhetoric in Balancing Act”, *Reuters*, 28 April, <https://www.reuters.com/world/middle-east/saudi-crown-prince-softens-iran-rhetoric-balancing-act-2021-04-28/>
- Giddens, A. (2005). *Central Issues in Social Theory: Action, Structure and Contradiction in Social Analysis*, translated by Mohammad Rezaei, Tehran: Soad Publishing. (In Persian)



- Haghighat, S. (2015). *Political Science Methodology*, Qom: Mofid University Publications. (In Persian)
- Ibrahim, A. (2020). “Esmail Qaani: New ‘Shadow Commander’ of Iran’s Quds” Force, *Aljazeera*, 20 January, <https://www.aljazeera.com/features/2020/1/20/esmaii-qaani-new-shadow-commander-of-irans-quds-force>
- IISS (2019). “Iran’s Networks of Influence in the Middle East November”, *The International Institute for Strategic Studies (IISS)*, November 2019, Available at: <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier>
- International Crisis Group (2014). “The Huthis: From Saada to Sanaa”, *International Crisis Group*, 10 June <http://www.crisisgroup.org/~media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iran%20Gulf/Yemen/154-the-huthis-from-saada-to-sanaa.pdf>.
- Islamic World Events news-analytical series (2021). *Infographic: Iraqi Resistance Groups*, December 31, available at: <https://iswnews.com/43689>. (In Persian)
- Jansiz, A., Bahrami Moghadam, S., Stoodeh, A. (2015). “Iran-Saudi Arabia Confrontation in Syria Crisis”, *Political studies of Islamic world*, Vol. 3, No.12: 67-92. (In Persian)
- Kargari, G., Pahlavan Sharif, M. A., Alavian M. (2020). “Explaining the Principles of Human Capital Management of Martyr Soleimani”, *selected articles of the second international conference of the second step of the revolution*, Vol. 2, No.3: 1-17.
- Karimpour, A. (2022). “The Unique Feature of Haj Qassem in the Knowledge of the Enemy”, *Islamic Revolution Documents Center database*, 3 January, <https://www.irdc.ir/fa/news/7420>. (In Persian)
- Kaveh, N. (2019). *I Am Qasem Soleimani, Soldier of Velayat*, Tehran: Noavavarane Sina.
- Kiani, M. (2012). “Syrian Crisis, Characteristics and Differences”, *Journal of Events and Analysis*, No. 269: 25-32. (In Persian)
- Lob, E. (2016). “The Islamic Republic of Iran’s Foreign Policy and Construction Jihad’s Developmental activities in Sub-Saharan Africa”, *Middle East Studies*, Vol.48: 313-338.
- Lob, E. (2021). “Iranian Reconstruction, Development, and Aid in Syria”, *The Middle East Journal*, Vol.75, No. 2: 223-242.
- Lobel, O. (2021). “Becoming Ansar Allah: How the Islamic Revolution Conquered Yemen”, *European Eye on Radicalization*, No. 20: 1-30.
- Lotfian, S. (2008). “Iran and the Middle East: Hard Choice and the Relevance of Realism”, *Politics Quarterly*, Vol.38, No. 3: 191-216. (In Persian)
- Marsh, D., Stoker, G. (2008). *Theory and Methods in Political Science*, Translated by Amir Mohammad Haji Yusefi, Tehran: Strategic Studies. (In Persian)
- Nejat, S. A., Musavi, R., Saremi, M. (2016). “Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran Strategy towards the Crisis in Yemen”, *Research Letter of International Relations*, Vol.9, No. 33: 137-179. (In Persian)
- Nissenbaum, D. (2022). “Israel’s ‘War between the Wars’ With Iran Expands across Middle East”, *Wall Street Journal*, 10 April, <https://www.wsj.com/articles/israels-war-between-the-wars-with-iran-expands-across-middle-east-11649595603>
- Parker, C., Noack, R. (2020). “Iran has Invested in Allies and Proxies across the Middle East. Here’s Where They Stand after Soleimani’s Death”, *Washington Post*, January 3,

- <https://www.washingtonpost.com/world/2020/01/03/iran-has-invested-allies-proxies-across-middle-east-heres-where-they-stand-after-soleimanis-death/>
- Patel, D. S. (2020). “Iran, Iraq, and Lebanon after Soleimani”, *Crown Center for Middle East Studies*, 17 January, <https://www.brandeis.edu/crown/publications/crown-conversations/cc-1.html>
  - Ramadhan, R. (2020). “The Role of Iran in Yemen Conflict 2014-2018 (An Analysis of Constructivism)”, *Conference: Proceedings of 3rd International Conference on Strategic and Global Studies*, ICSGS 2019, 6-7 November 2019, Sari Pacific, Jakarta, Indonesia.
  - Robinson, K. (2022). “How Much Influence Does Iran Have in Iraq?” *Council on Foreign Relations*, 18 October, <https://www.cfr.org/in-brief/how-much-influence-does-iran-have-iraq>
  - Rouhi Dehbaneh, M., Moradi Kelardeh, S. (2016). “The Role of Iran's Regional Strength in Persian Gulf Cooperation Council Policies: 2005 – 2015”, *International Relations Researches*, Vol.5, No.18: 277-310. (In Persian)
  - Rozen, A. (2014). “Iran's Military Mastermind Was Reportedly Present during Iraq's Biggest Victory So Far against ISIS”, *Business Insider*, 3 September, <https://www.businessinsider.com/suleimani-was-present-during-battle-for-amerli-2014-9>
  - Sadeghi, S., Asgarkhani, Abu Mohammad (2012). “Study on the Performance of Soft Power of the Islamic Republic of Iran in Modern Iraq”, *Foreign Policy Quarterly*, Vol. 25, No. 24: 927-950. (In Persian)
  - Sadrzadeh, A. (2021). “The Absence of Qassem Soleimani is Clearly Visible, Especially in Iraq”, *Interview with BBC*, <https://www.iranintl.com/en/video>. (In Persian)
  - Sajadpoor, k. (2022). “2 Years after the U.S. Killed Iran's Qasem Soleimani, Tensions Remain”, *NPR Agency*, January 3, <https://www.npr.org/2022/01/03/1069983221/2-years-after-the-u-s-killed-irans-qasem-soleimani-tensions-remain>
  - Shafiee Seifabadi, M., Bagheri Dolatabadi, A. (2021). “Explaining the Causes for the Failure of ISIS in Iraq Based on the Theory of Political Opportunity of Sydney Tarrow and Mcadam”, *Political studies of Islamic world*, Vol.10, No.2: 137-166. (In Persian)
  - Simbar, R., Ghasemian, R. (2015). “Main Components of Iran-Syrian Security Relations”, *Political Strategic Studies*, Vol.3, No. 9: 143-178. (In Persian)
  - Soufan, A. (2018). “Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy”, *Combating Terrorism Center*, Vol.11, Issue.10, <https://ctc.usma.edu/qassem-soleimani-irans-unique-regional-strategy/>
  - Talashan, H. (2012). “Islamic Revolution and its Effect on the Shiite Geopolitical Changes in Yemen”, *Shi'ite Studies*, Vol.10, No. 40: 7-30. (In Persian)
  - The White House (2020). “Remarks by President Trump on the Killing of Qasem Soleimani”, *The White House*, 3 Jan 2020, <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-president-trump-killing-qasem-soleimani/>
  - U.S. Department of Defense (2020). “Statement by the Department of Defense, U.S”. *Department of Defense*, 2 Jan. <https://www.defense.gov/News/Releases/Release/Article/2049534/statement-by-the-department-of-defense/>
  - Watkins, J. (2020). “Iran in Iraq: Soft Power after Soleimani”, *LSE*, 8 January, <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2020/01/08/iran-in-iraq-soft-power-after-soleimani>
  - Wendt, A. (2006). “The Structure-Agent Problem in International Relations Theory”, Andrew Linklater (edited), *Basic Concepts in International Relations: The Challenge of*

*Science and Tradition*, translated by Bahram Mostaghimi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.

– Zamir, E. (2022). “Countering Iran’s Regional Strategy: A Long-Term, Comprehensive Approach”, The Washington Institute for Near East Policy, May 2022, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/countering-irans-regional-strategy-long-term-comprehensive-approach>